

۴
۹۳
روز
مهر
تاس
رایخ
بکار
س
رو
گروه
آبت
تقس
ت مط
ناشر
فعال
ند)
ناقت
لا
مترقی
دیگ
ز جنب
و ایرا
ناخ
بزر
رامی
کوت
ک
جدر
ن
مب
شدید
ش
ب افز
که
ص
لغه
لاجات
انقلاب
کردند
بان
کیست
مر می
ه
سته
و خ
د رو
از ا
انسان
هوش
جنایه
ت
ک
ص
جامع
چ
تواز
و
ه کت
زی
ونه
بیدن
کتاب
میچ
ار تا
نس
ق
بند

باختر امروز

شماره
مخصوص

مؤسس : شادروان دکتر سید حسین فاطمی
نشریه سازه‌انهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور
(بخش خاور میانه)

او باعلاقه باتنها (پیشاهنگان انقلابی) فکر میکنند ، ولی نه فقط باین خاطر که مبینند جمعی کوچک بخاطر منافع او بادشمنی بر خوردار از زرادخانه ای بزرگ در افتاده است ، بلکه بیشتر باین سبب که آینده خود را با آینده مبارزه این جمع کوچک در ارتباطی مستقیم احساس میکند . قدرت انقلابی که توسط پیش آهنگان پرولتری اعمال میشود تنها انعکاس بخشی از نیروی طبقه کارگر است . اما آنچه تسمیه تند است باید به طوفانی ویران کننده تبدیل شود تا واژگونی نظم مستقر را ممکن سازد ، پس این انعکاس نا کامل باید جای خود را به انعکاس کامل نیروی او بدهد . باین ترتیب اعمال قدرت انقلابی نقشی دوگانه را بر عهده میگیرد ، از سویی خود آگاهی پرولتاریا را بعنوان یک طبقه پیشرو بانه با میدهد ، و از سوی دیگر آنان را وامیدارد تا بخاطر تثبیت آینده خویش برای تثبیت پرورزی مبارزه ای که در گیر شده است نقش فعال ایفا کنند .

رفیق شهید امیر پرویز پویان

شماره ۵۷ سال چهارم

دوره چهارم

نیمه دوم مرداد ۱۳۵۳

« خطابه توضیحی سازمان چریکهای فدائی خلق به کارگران مبارز ایران »
« در رابطه با اعدام صاحب جنایتکار کارخانجات جهان »

مختصری در باره دشواری زندگی کارگران و فقر روز افزون آنان

کارگران مبارز ایران ! اکنون طبقه کارگر ایران زیر فشار مخارج کمرشکن زندگی و گرانی شدید و بی سابقه روزهای سختی را میگذراند . در حالی که همه نعمتهای زندگی مثل پارچه ، کفش ، یخچال ، کولر و خلاصه همه وسایل رفاه و آسایش را طبقه کارگر تولید میکند ، خود در بدترین و دشوارترین شرایط زندگی می‌نماید و از همه نعمتهایی که خودش آنها را می‌سازد ، بی‌بهره است . بخصوص در چند سال اخیر بعلت گرانی بی‌سابقه و ثابت ماندن دستمزدها زندگی کارگران روز بروز دشوارتر میشود .

دولت ضد کارگری شاه خائن در سخن پراکنی های رادیو - تلویزیونی خود با بی‌شرمی تمام زبان به دروغ‌گویی می‌گشاید و از رفاه کارگران ایران دم می‌زند . شاه ادعا میکند که کارگران ایران از بیمه ، بهداشت ، مسکن و بیست درصد سود کارخانه برخوردارند . چه کسی این دروغها و نیرنگهای آشکار را باور خواهد کرد؟ شاه خائن و بقیه سرمایه‌داران با حرص و طمع روزافزون خود حق زندگی برای طبقه کارگر باقی نگذاشته‌اند . کارگری که در روز ده تا دوازده تومان مزد میگیرد مجبور است در ماه حداقل صد تومان هم کرایه اطاق بدهد . راجع به بیمه باید گفت ، فقط کارگران رنجکش ایران که بارها و بارها ، با وجود بیماری شدید در صفهای طولانی بانتظار دکتر استاده‌اند و بالاخره هم با شنیدن قرقهای دکترهای بیمه و با گرفتن چند قرص گچی روانه گشته‌اند ، ماهیت تبلیغات دولت شاه را درک میکنند . سود ویژه هم که شاه ضد کارگر اینقدر از آن دم میزند جز های هوسوی تبلیغاتی چیز دیگری نیست . همان پاداش و عیدی که قبلا سالی یکبار به کارگر تعلق می‌گرفت حالا بعنوان سود ویژه می‌دهند .

در کارخانجات کفش ملی تا قبل از اعتصاب بزرگ و پیروزمندانه سال گذشته سود ویژه‌ای که به هر کارگر تعلق می‌گرفت عبارت بود از : یک جفت کفش ملی ، یک پتوی ۲۵ تومانی ، یک کیلو روغن ، پنج کیلو برنج ، یک کیلو قند و شکر و یک بسته چای . در بسیاری از کارخانجات دیگر نیز وضع بهین منوال است .

واقعیت اینست که کارگران ایران در کارخانه‌هایی که از لحاظ بهداشتی بهیچوجه مناسب نیست ، در هوای بسیار گرم یا بسیار سرد کارگاه که پر از گازها و بخارهای مسموم کننده و سر و صداهای سرسام‌آور است روزی ده تا دوازده ساعت کار میکنند . در چنین شرایطی وقتی بعد از چندین ساعت کار متوالی خسته شده و از پا می‌افتند چه بسا دست و پا و انگشتانشان لای چرخهای ماشین‌ها گیر میکند و به سختی مجروح می‌شوند .

بقیه در صفحه ۲



اعدام یکی از دشمنان جنایتکار



طبقه‌ی کارگر

بالاخره پس از سه سال انتقام خون کارگران بیگناهی که در واقعه‌ی خونین «جهان چیت» شهادت رسیده بودند باز ستانده شد

در پامداد روز ۲۰-۲۱-۱۳۵۳ حکم اعدام محمدصادق فاتح یزدی صاحب کارخانجات معروف جهان توسط یک واحد از رزمندگان سازمان چریکهای فدائی خلق به مورد اجراء درآمد .

دادگاه انقلابی خلق فاتح را بخاطر نقش مؤثری که در کشتار کارگران جهان چیت بعهده داشت و بخاطر «انقلاب حق کشی‌های ظالمانه‌اش در حق کارگران بمرگ محکوم کرد و فاتح خونخواه را به سزای اعمال نکبتش رسانید .

با اعدام فاتح « سازمان چریکهای فدائی خلق » پشتیبانی مسلحانه و بیدریغ خود را از مبارزات حق طلبانه کارگران سراسر ایران اعلام میدارد و با صراحت بدشمن هشدار میدهد که هیچگونه جنایتی را در حق طبقه کارگر ایران بی‌جواب نخواهد گذاشت .

مسبب اصلی این جنایت بزرگ که بود؟

در آذرماه ۱۳۵۰ کارگران زحمتکش جهان چیت که از سنگینی مخارج زندگی و کمی دستمزد به تنگ آمده بودند پیاده از کرج بطرف تهران حرکت کردند تا از شرایط وحشتناک کار در کارخانه‌های محمد صادق فاتح یزدی که بنام کارخانجات جهان معروف است بوزارت کار شکایت کنند . دولت شاه که از اتحاد و تجمع دو هزار کارگر خشمگین و وحشتزده شده بود ، طی توطئه مشترکی با فاتح خائن که حاضر نبود دیناری به حقوق کارگران اضافه کند ، سیل خروشان دو هزار کارگر شجاع و مبارز جهان چیت را به خون کشید . چندین کامیون ژاندارم با تفنگها و مسلسلهای امریکائی و اسرائیلی کارگران حق طلب جهان چیت را در کاروانسرا سنگی واقع در نیمه راه کرج تهران بیرحمانه به گلوله بستند . طی این یورش ، بیش از بیست نفر از کارگران به شهادت رسیدند و دهها نفر از آنها مجروح شدند این جوابی بود که دولت شاه که حامی فاتح و تمام سرمایه‌داران است به کارگرانی داد که فقط قطعه نان بیشتری برای سیر کردن شکم زن و فرزند خود طلب میکردند .

سابقه امر:

فاتح سرمایه‌دار زالوصفت و به قول خلق کرج چشم‌راست شاه خائن ، مسبب اصلی این جنایت بود . فاتح یکی از مالکین ستمکار یزد بود که با استفاده از نزدیکی با خاندان نکبتین بهلوی با زور دهقانان حاجی آباد کرج را بیدن از زمینهایشان بیرون کرد و زمینهای غرب کریم را تصاحب نمود . او با احداث کارخانجات بزرگ جهان و بهره‌مندی از زمینهای کشاورزی و بخصوص کودکان بسرعت ثروت خود را به میلیونها رساند و با استفاده از پولی رضا شاه خائن ، قدرت زیادی بدست آورد و مانند تمام سرمایه‌داران دشمن شماره یک کارگران شد . او سالهای سال در ازاد دوازده ساعت کار طاقت فرسا در شکنجه‌گاههایی که نام کارخانه به آن داده است چهار ، پنج تومان مزد پرداخت میکرد و با بیشرمی تمام میگفت :

بقیه در صفحه ۲

این حق مسلم تو و ما است که خشونت پیراییم را با خشونت انقلابی پاسخ دهند

خطابیه توضیحی چریکهای فدائی خلق

میکردد . کارگران ایران خون خود را می‌ریزند و از شیره جانفشان مایه میگذرانند تا یک عده سرمایه‌دار زانو صفت در هوای ملایم کاخهای خود استراحت کنند و به عیاشی و خوشگذرانی بپردازند .

چه کسی مسئول این فقر و حوادث خونینی است که در کارخانه اتفاق می‌افتد ؟

سرمایه داران خونخوار که با حرص و طمع خود میخواهند هر چه بیشتر شیره جان کارگر را بکشند و هر چه کمتر مزد بدهند مسئول فقر روز افزون کارگران هستند .

سرمایه داران با استفاده از نیروی کار کارگران ، مواد خام کم قیمت را تبدیل به محصولات و اجناس گران قیمت میکنند و استفاده‌های بزرگ می‌برند . مثلاً کارگران در شرایط دشوار ، خاک را تبدیل به کاشی ، پنبه را تبدیل به پارچه ، پنبه‌دانه را تبدیل به روغن نباتی میکنند و بطور کلی با نیروی کار خود همه چیز می‌سازند . کارگر این محصولات را میسازد ولی فقط سرمایه‌دار است که از این محصولات سود می‌برد . پس چه کسی جز سرمایه داران خون آشام مسئول این فقر روز افزون کارگران هستند ؟

سرمایه داران همچنین مسئول حوادث خونینی هستند که در کارخانه ها اتفاق می‌افتد .

دولت شاه سعی میکند در برنامه های تبلیغاتی خود در رادیو تلویزیون ، گناه حوادث خونینی را که هر روز در کارخانه‌ها ، برای کارگران رنجگش اتفاق می‌افتد بر گردن خود کارگران بیندازد . بطور نمونه در برنامه کارگران رادیو ایران ، در یک نمایشنامه ، کارگری که در هنگام کار حادثه‌ای برایش پیش می‌آید با صدای بلند خود را ملامت میکند که تقصیر خودش است نه بی احتیاط و حریف نشو است . دولت شاه جنایتکار میخواهد این حقیقت را پنهان کند که این قبیل حوادث معمولاً در ساعات آخر کار وقتی که کارگر بعد از چندین ساعت کار دشوار و طاقت فرسا ، خسته شده است اتفاق می‌افتد و مسئول این جنایات سرمایه داران هستند که سعی میکنند تا آخرین رمق کارگران ، از آنها کار بکشند .

شاه و دولتش چه رابطه‌ای با سرمایه داران دارند ؟

همه کارگران ایران بخوبی می‌دانند که شاه و برادران و خواهرانش از بزرگترین سرمایه‌داران ایران هستند و در اکثر کارخانجات ایران شریک میباشند . همه میدانند که رضا خان قلدر سر سلسله خاندان ننگین پهلوی این همه ثروت را از برکت خوش خدمتی‌هایی که برای خارجیها کرد بدست آورد و پس از او فرزندان او با ادامه راه او در پناه حمایت پول و اسلحه سرمایه‌داران خارجی روز بروز به ثروت خود افزودند .

پس دولت شاه و طغفروش حافظ منافع سرمایه داران خارجی و نوکران ایرانی آنهاست و همه دستگاه دولتی را در خدمت سرمایه‌داران بکار انداخته است . خارجیها با کمک دولت شاه خائن نفت ، مس ، ذخایر معدنی دیگر ، چوبهای جنگلی و خلاصه همه ثروت‌های میهن ما را می‌برند و در عوض با اسلحه های خود دولت شاه را تقویت میکنند ، آنها به شاه اسلحه میدهند تا او با زور اسلحه خلق زحمتکش ایران را به نفع خودشان بکار بکشد . هم اکنون در بیشتر کارخانجات ایران سرمایه‌داران خارجی نیز شریک هستند و بسیاری از کارخانجات ایران متعلق به خارجیهاست . از طرفی ارتش مزدور ایران با اسلحه‌های امریکائی و اسرائیلی مسلح است و همیشه آماده است تا از هر جا صدای حق طلبی بگوش رسد با سرباز و گلوله آنرا خاموش سازد . پس دولت شاه خائن با ارتش مسلح و مزدور از منافع سرمایه داران نافع میکند برای همین است که در هر کارخانه‌ای که اعتصاب میشود بلافاصله ارتش شاه جلوی در کارخانه سبز میشود و کارخانه را اشغال میکند .

دولت شاه همچنین وزارت کار را ایجاد کرده برای اینکه وضع کارخانه ها را کنترل کند و تا آنجا که میتواند نگذارد اعتراضات خشم آلود کارگران تبدیل به اعتصاب خشونت آمیز شود و به مال و جان سرمایه داران لطمه بزند . همچنین وزارت کار اجازه نمی‌دهد سطح دستمزد در یک کارخانه از حد معینی بالاتر برود و اگر هم سرمایه‌دار در اثر مبارزات کارگران مجبور شود دستمزدها را اضافه کند چه بسا وزارت کار اجازه نمی‌دهد . زیرا اگر مزد در یک کارخانه بالاتر رود

کارگران کارخانه‌های دیگر هم برای بالا رفتن دستمزد اعتصاب خواهند کرد . بسیاری کارخانه هائی که وزارت کار با بالا رفتن مزد در آنجا مخالفت کرده است ، در حقیقت اگر ظلم و ستم سرمایه‌دار برای کارگر واضح و آشکار است ، وزارت کار باصطلاح با پنبه سر می‌برد .

افزون خود به چه مبارزاتی دست می‌زنند ؟

کارگران ایران که از فشار مخارج کم شکن زندگی و کمی دستمزدها بجان آمده‌اند ، در سراسر ایران و در بسیاری از کارخانجات برای اضافه کردن دستمزد و بهتر کردن شرایط کار دست بمبارزه و اعتصابات خشم آلود زده‌اند . در شرایطی که کارگران به روشنی می‌بینند که با وجود کار و زحمت زیاد حقتشان پایمال میشود و قادر نیستند حتی احتیاجات اولیه خود را فراهم کنند ، برای گرفتن ابتدائی ترین حقوق خود و برای سیر کردن شکم زن و فرزند خود راهی جز متوسل شدن بزور ندارند . کارگران شجاع و مبارز پالایشگاه آبادان در اعتصابات سال گذشته درخواست خود را اینطور مطرح کرده بودند : ما از شما دستمزد نمی‌خواهیم فقط شکم زن و فرزند ما را سیر کنید . این درخواست کارگران صنایع نفت است که در مقایسه با کارگران صنایع دیگر از دستمزد نسبتاً بالاتری برخوردار هستند . در طی همین یکسال پیش در کارخانجات شاه پسند ، کفش ملی ، چیت ری ، پالایشگاه آبادان ، ایران ، لندور و جهان چیت اعتصاب شد . در کارخانجات کفش ملی که بخاطر اضافه دستمزدهای پرداخت نشده ، یکماه و نیم در حال اعتصاب بود ، بدنبال حمله وحشیانه ژاندارمها، کارگران شیشه‌های کارخانه را خرد کردند و به تهدید صاحب کارخانه ، ایروانی خائن ، پرداختند و باو اخطار کردند که در صورتیکه به تقاضاهای کارگران رسیدگی نکند و کارگران اخراجی را برنگرداند کارخانه را به آتش خواهند کشید .

در کارخانجات اسرائیل ایرانا هم امسال اعتصاب شد و کارگران که اضافه دستمزدهای عقب افتاده خود را میخواستند وقتی در جواب در خواستهای حق طلبانه خود سربیزه ، ارتش شاه را دیدند دست به مقاومت خشونت آمیز زدند . چندین نفر از سرپرستها را بسختی کتک زدند و به مقیاس وسیعی دستگامها را خراب کرده محصولات کاشی ایرانا را شکستند .

کارگران کارخانجات لندور در اعتصاب اخیر خود ، بعد از درخواست شصت در صد اضافه دستمزد به خاطر بالا رفتن سرسام آور قیمتها ، وقتی در مقابل درخواست خود با بی اعتنائی و فحش و توهین کار فرما مواجه شدند ، کارفرما را تهدید کردند که اگر به درخواست ما توجه نکنی اعتصاب را بپیدای شهر میکنیم . در کارخانه ، جهان چیت هم در اسفند ۵۲ بار دیگر اعتصاب شد و فاتح جنایتکار چند تن از کارگران را با تمام خرابکاری در دستگاههای کارخانه و اختلال در سیستم برق رسانی به داده‌گاه و شکنجه گاههای سازمان امنیت کشانید . همان کارگرانی که سه سال پیش در واقعه معروف جهان چیت از کارفرما پیش وزارت کار شکایت می‌بردند این بار بخوبی آگاه شده بودند . کله دولت شاه ، دولت سرمایه داران است و از سرمایه دار پیش سرمایه دار شکایت بردن نتیجه اش از قبل معلوم است .

جریان از این قرار بود که بعد از واقعه ، خونین جهان چیت در سال ۱۳۵۰ فاتح که نمی‌خواست کارگران خشمگین را در شرایط قبلی بکار وادار کند ، ۲۴ ساعت را به سه قسمت ۸ ساعتی تقسیم کرد و کارگران را بطور نوبت کاری صبح ، عصر ، شب بکار واداشت . پایه حقوق را هم برای آرام کردن آتش خشم کارگران به روزی هشت تومان و هشت ریال بالا برد . ولی تا تابستان ۵۲ خبری از پرداخت اضافه دستمزدها نبود .

این یکی از حیل‌های سرمایه داران است که وقتی کارگران جمع و متحد هستند بانها وعده اضافه دستمزد میدهند ولی وقتی آنها را پراکنده و سرکوب کردند وعده‌های خود را فراموش میکنند . اما کارگران مبارز جهان چیت تابستان پارسال با یک اعتصاب دیگر وعده‌های فراموش شده فاتح را بیداشت آوردند و مجبورش کردند که پایه حقوق را عملاً به روزی ۸ تومان و ۸ ریال بالا ببرد . ولی فاتح طماع بازهم اضافه دستمزدهای عقب افتاده در مدت دو سال را نداد . تا اینکه در اسفند ۵۲ کارگران مبارز جهان چیت باز هم اعتصاب کردند و فاتح باکمال بی شرمی اینبار هم به عده‌ای از کارگران مبلغی پرداخت کرد ولی اضافه دستمزدهای کارگران کارمزد را که اکثریت کارگران

بقیه اعدام یکی از ...

کارگر را باید گرسنه نگه داشت تا سر بزیر و مطیع باشد ، و پائین ترتیب با وقاحت تمام رفتار وحشیانه سرمایه‌داران را با طبقه کارگر بیان میکرد و این رفتار را موجه جلوه میداد .

با اعدام جناح نه تنها حلق ایران انقیام خسرو عزیزان خود را در دشمنی مرتب همه جواب ندان نشی هم به یاده نویهای سرمایه‌داران داد و به دشمن نشان داد به با همه منرت ظاهریش ، با وجود همه اسلحه‌های به امریاد به او داده است در مقابل صورت مسلح جس نابوان است و بالاخره صی یک مبارزه طولانی با سرمایه حلق به زانو در میاید .

سه سال است که مبارزه مسلحانه خلق ما امر شده است و مبارزه چریکهای انقلابی در روزه راستین خلق زحمتکش هستند بدون نوحه به تبلیغات هم به یاده نویهای دولت شاه همچنان راه خود را ادامه میدهند . دولت شاه که با تمام کشتارها و حبس و شکنجه‌هایش نتوانسته است این مبارزات را نابود سازد ، بنظر منحرف کردن افکار مردم ، چریکهای اعرابی را که برای دفاع از حقوق خلق رنجیده ایران اینستا بدست گرفته‌اند ، خرابکار و عامل بیگانه معرفی میند و میکوشد از آتاه شدن اتحاد همه نیروهای خلق جلونی کند . ولی در نیست که همه خلق ما به حقیقت پی ببرند و بجوبی دوست و دشمن خود را بشناسند . فقط در این صورت است که خلق ما خواهد توانست به اتحاد و یکپارچگی برسد و نقشه‌های دشمن را که سعی میکند از اتحاد خلق با چریکها جلونی کند بی اثر سازد .

«خون جواب هر خون»

اینست پاسخ خلق ما به دشمنانش . جاودان باد خاطره شهدای جهان چیت گسترده باد اتحاد نیروهای خلق و چریکهای انقلابی . درود بی پایان به کارگران مبارز ایران . نابود باد دولت ضد خلقی و ضد کارگری محمده رضا شاه خائن .

« چریکهای فدایی خلق »

جهان چیت را تشکیل میدهند مبلغ ناچیزی برآورد کرد . این هم یک حیل دیگر سرمایه‌دار هاست که وقتی مجبور به دادن قسمتی از حق کارگر میشوند برای برهم زدن اتحاد کارگران به عده کمی مبلغی می‌پردازند و حق اکثریت را نمی‌دهند یا نیمه کاره میدهند . در اسفند ۵۲ نیز فاتح علاوه بر پرداخت نکردن پاداشها بطور تمام و کمال ، اضافه دستمزدهای کارمزد را هم مبلغ ناچیزی برآورد کرد . وقتی هم که کارگران برای گرفتن حق مسلم خود اعتصاب کردند ، جلدان سازمان امنیت کرج عده‌ای از کارگران را دستگیر و شکنجه کردند

خطابیه توضیحی چریکهای فدائی خلق

آنها را تهدید کردند که اگر تسلیم نشوید سگهای حسی را برویتان خواهیم انداخت .

نگفته پیداست که کارگران شجاع و مبارز جهان بیت با شنیدن این تهدیدها و بارفتن به شکنجه تاها مبارزه دست نکشیده و تا گرفتن حق خود نیز دست نواهند کشید . در همین سال گذشته بود که کارگران تصابی پالایشگاه تهران وقتی ارتشبد نصیری رئیس از زمان امنیت با یک گردان محافظ به پالایشگاه رفت و زگران را تهدید باخراج هگانی کرد ، همه کارگران بی اعتنائی کارتهای کارگری خود را جنوی او پرت کردند .

واقعیت اینستکه گرچه شکنجه گاههای شاه بسیار حشمتناک و غیر انسانی است اما کارخانه های ایران از بدانهای شاه هم شکنجه زاتر هستند و کارگری که از ۱۰ الی ۱۶ ساعت در این کارخانه ها کار میکند عمل خیل شکنجه ها را دارد . در کارخانه ها خون ری است . از دستهای بریده شده ، انگشتهای قطع شده و پاهای لپیده شده کارگران خون جاری است کارگر از خون نمی ترسد . این سرمایه داران هستند که با استراحت در رختخواب پر قو و هوای لطیف و ملایم مال شهر عادت کرده اند و طاقت تحمل سرما سوزنی درد ناراحتی را ندارند ، پس آنها هستند که باید از خشم بقه کارگر بترسند . آنها هستند که باید بترسند از زهرانی که در زیر لکنهای نیرومند طبقه کارگر دست می زنند و فرصت عجز و لایه هم ندارند (همانطور که پنج خائن در زیر پای فرزندان راستین طبقه کارگر ، چریکهای فدائی خلق) فقط توانست دستش را جلوی ورت جنایتکار خویش بگیرد . در حالیکه طبقه ارگ ایران در زیر فشار بیش از حد شرایط دشوار از و مخارج زندگی و گرانی شدید و با وجود اینکه شتر از هر زمان دیگر با اسلحه های امریکائی و برائیلی دولت شاه تهدید میشود ، با اعتصابات خشم بد خود ادامه میدهد و زندان و شکنجه را به چیزی می گیرد .

عکس انعمل دولت شاه بیگانه پرست و سرمایه ران وابسته به امریکا و انخیس در برابر مبارزات زگران چه بوده است و دولت شاه به چه شیوه سویی ان برهم زدن مبارزات کارگران دست چیرند ؟

دولت محمد رضا شاه سعی میکند در آغاز به سیه راهنمائی های وزارت کار یا وعده و وعید و یب و نیرتک جریان مبارزات کارگران را به مع سرمایه ران بی سر و صدا پایان دهد . زیرا رژیم تا اینجا به اند سعی میکند چهره پند او ماهیت واقعی خود را طبقه کارگر نشان ندهد . تنها پس از اینکه با مقاومت پر و حق طبانه کارگران مواجه شد و نتوانست زگران را با حیل و نیرتک فریب دهد به زور و سونت متوسل میشود . ارتش مزدور و مسلح خود را بن سگهای هار زنجیری به روی کارگران حمله ور میکند بسته دسته کارگران را به زندان و شکنجه تاه می . شاه جنایت پیشه تصور میکند که با سرکوب شیمانه ، کارگران تسلیم شده و از مبارزه دست اهند کشید . اما در یکسال اخیر بر خلاف انتظارش مقاومت کارگران حتی بعد از سرکوب وحشیانه زوپرو است . اکنون کارگران ایران حتی بعد از بیرون ان از زندان و شکنجه گاه مبارزات خویش با اشکال سونت آمیزی ادامه میدهند و دولت شاه روز بروز به بی نبودن شیوه سرکوب خشن پلیس بی می برد . این دلیل شاه سعی میکند علاوه بر پیش گرفتن شیوه کوب وحشیانه در هنگام بروز اعتصابات ، کاری کند از بوجود آمدن اعتصاب جلوگیری نماید . برای پیدن باین هدف دولت شاه سعی میکند با انداختن م نفاق و اختلاف و حسادت بین کارگران از اتحاد با جلوگیری کند . اگر کارگران بر سرمسایل جزئی داخل کارگاه یا یکدیگر اختلاف داشته باشند کمتر از ایجاد اتحاد با یکدیگر و مبارزه با دشمن مشترک خواهند افتاد . دولت شاه بخوبی میداند که اتحاد گران با یکدیگر پایه های حکومت ظلم و ستم بایه داران را تهدید میکند و هیچ نیروی نمی تواند ی آنها را بگیرد . پس با فری گذاشتن بین کارگران لحاظ دستمزد و بعضی مزایا ، با تحمیل کردن بنده خود به کارگران ، با سوء استفاده کردن از سی کارگران نا آگاه و بخندم گرفتن آنها ، سبلی اند از اتحاد کارگران جلوگیری کند .

کسی که معمولا در کارخانه ها بعنوان نماینده انتخاب میشود نماینده ای است که کار فرما انتخاب کرده و شخص مذکور سعی میکند با تلقین های خود کارگران را از اعتصاب و مبارزه باز دارد .

دولت شاه همچنین سعی میکند عده ای از کارگران نا آگاه را بخندم خود در آورد و از آنها بر ضد کارگران دیگر سوء استفاده کند . باین وسیله دولت شاه در داخل کارخانجات از خود کارگران عده ای از جاسوسان خود را تربیت خواهد کرد . این برنامه ها را تحت عنوان عملیات دفاع غیر نظامی و نیروی پایداری انجام میدهند و حتی به بعضی از کارگران نا آگاه که مخصوصا انتخاب شده اند تعلیمات نظامی و آموزشی ضد انقلابی میدهد . این اقدامات بخشی از فعالیتهای ضد انقلابی رژیم شاه را تشکیل میدهد . وظیفه کارگران آگاه است که از فساد رفقای کارگر خود جلوگیری کنند و اجازه ندهند که دولت شاه از نا آگاهی عناصر خلق سوء استفاده کرده آنها را به جنایت و قتل و آدمکشی بکشاند .

فاتح ، صاحب جنایتکار کارخانجات جهان که بود و چه میکرد ؟

فاتح همان جنایتکاری بود که اعتصاب حق طبانه کارگران جهان چیت را بخون کشید . فاتح سرمایه دار خونخوار و به قول مردم کرج چشم راست شاه خائین بود . فاتح صاحب کارخانجات متعدد و املاک وسیع در نقاط مختلف کشور و حتی در خارج از کشور بود . در کرج کارخانجات جهان چیت ، روغن کنسرو چیمان ، آرمه ، اینترنول و اینترلوپ را بکمک پسر و دامادهاش اداره میکرد . او همچنین در کرج باغهای وسیع میوه و سردخانه عظیمی برای حفظ و نگهداری میوه ها داشت . فاتح در شمال باغهای وسیع جای و کارخانجات جای ، در یزد املاک وسیع و کارخانجات پتو بافی و بشمیانی ، در مشهد کارخانه کبریت سازی، در شهریار املاک وسیع و در هندوستان باغهای جای داشت . او همچنین صاحب یک هتل مجلل و یکی از شرکتهای مقاطعه کاری بزرگ بود .

فاتح اینهمه ثروت را از خون و عرق هزاران کارگر و دهقان زحمتکش بدست آورده بود . او یکی از مانکنین ستمکار یزد بود که دسترنج دهقانان زحمتکش یزدی را صرف خوشگذرانیهای خود و خانواده اش میکرد . تا اینکه در پناه حمایت رضا شاه توانست املاک حاجی آباد کرج را که در آن هنگام از خالصجات دولتی بود به قیمت نا چیزی بخرد و با بیرون کردن دهقانان حاجی آباد از روی زمین ها ، باغهای وسیع میوه احداث کند . فاتح در پناه حمایت شاه با ایجاد کارخانجات و کار کشیدن بیرحمانه از کارگران و بخصوص کودکان کارگر ، روز بروز بر ثروت خود اضافه کرد . در حکومت سرمایه داران ایجاد کارخانه و باغ خیلی زود ثروت را زیاد میکند . وقتی فاتح خائن با بهره کشی از کارگران و دادن کمترین مزد بخور و نیر بانها ، برای پارچه ای که متری ۲۰ تومان میفرودشد فقط پنج ریال خرج میکند ، معلوم است که ثروت او به قیمت فقر روز افزون کارگران روز بروز زیاد میشود . رابطه فاتح با دولت شاه

فاتح با خاندان تنگین پهلوی روابط نزدیک داشت و لقب فاتح را رضا شاه باو داده بود . شاه نیز به فاتح علاقه مخصوص داشت و هر بار فاتح او را به املاکش دعوت میکرد و ثروتهاش را مثل یک نوکر خانه زاد به شاه پیش کش میگرد ، شاه مالیاتهای عقب افتاده او را می بخشید . فاتح هم از جابلوسی و خوش خدمتی کوتاهی نمیکرد . در حقیقت فاتح در پناه حمایت دولت شاه ، دستش در غارت کردن اموال مردم باز بود و کرج قدرت زیادی داشت . بطوریکه هر کارگری که جرات مخالفت کرده و حرف حق می زد فوراً او را بیرون میکرد . پس فاتح با مکیدن خون دهقانان یزدی ، با آواره کردن دهقانان حاجی آباد ، با کار کشیدن بیرحمانه و شبانه روزی از کارگران زحمتکش و مهمتر از همه با استفاده از نزدیکی به خاندان تنگین پهلوی و حمایت دولت شاه توانسته بود اینهمه ثروت و قدرت را بدست آورد .

اقدامات باصطلاح خیر خواهانه فاتح و ارتباط آن با بخشایش مالیاتی

حکومت سرمایه داران برای اینکه بتواند از خلق مالیات بگیرد قوانینایی برای مالیات وضع میکند ولی برای اینکه سرمایه داران از پرداخت این مالیات معاف شوند ، تبصره ای با قانون اضافه میکند باین مضمون که « اگر

سرمایه داری مؤسسات خیریه بسازد از پرداخت مالیات معاف خواهد شد » باین وسیله سرمایه داران هم برای خود بین مردم ساده اندیش و نا آگاه ، آدم خوب و نیکوکار مغرزی میشوند و هم از پرداخت مالیات معاف خواهند بود .

فاتح هم با استفاده از حمایت خاندان تنگین شاه برای فریب عده ای از مردم کرج باقیمت ناچیزی از ثروتی که از مردم غارت کرده بود دست به ساختن یک مدرسه ، حرفه ای ، یک بیمارستان و یک مسجد زد و باین ترتیب اکنون که به دست توانای فرزندان خلق به سزای اعمال تنگینش رسیده است دولت در روزنامه های جیره خوارش او را آدم خیر و نیکوکار معرفی کرد ولی متمم کسانی که از اعمال جنایتکارانه فاتح مطلعند ، بخوبی میداندند که این حرفها فریبی بیش نیست . دولت هرگز نمیگوید که فاتح این بناها را به چه قیمتی و با چه جنایاتی ساخته است .

سرمایه داران خونخوار در حالیکه خودشان بانواع و اقسام فساد آلوده هستند برای فریب مردم مسجد میسازند . کدام مسلمان صاحب شرفی میتواند در مسجعی که از خون و عرق کودکان کارگر ساخته شده است نماز بگزارد ؟

سرمایه داران آدمکش در حالیکه خودشان در شرایط سخت کارخانجات خود هزاران نفر را بیمار و عیال و مسلول میکنند ، بیمارستان می سازند . مگر خواهر فاسد شاه ، اشرف پهلوی نیست که از سویی جمعیت خیریه درست میکند و از طرف دیگر با قاچاق هروئین و تریاک جوانان ایرانی را به فساد و تباهی میکشد و به روز سیاه می اندازد ؟

چنین است ماهیت اقدامات خیر خواهانه فاتح جنایتکار و دیگر سرمایه داران . شرح کامل جنایت جهان چیت که با همکاری کامل فاتح و دولت شاه صورت گرفت .

از دیهشت ماه سال ۵۰ بود . کار سخت و طاقت فرسا در کارخانه های جهان جریان داشت ۱۲۰۰ ساعت کار با ۶ تومان پایه حقوق مزد داده می شد . رقم مزد برای کودکان و زنان که نیمی از کارگران واحد صعی جهان را تشکیل میدادند ۳-۴ تومان بیشتر نبود . فاتح خونخوار مثل زالوی سمجی خون کارگران را می مکید و اعتنائی بر نجهت و درخواستهای کارگران نمیکرد . فشار زندگی بر کارگران روز بروز بیشتر می گشت ولی فاتح گفتار با وجود سن زیاد هر روز جوان تر و سلطنتر میشد کارگران رنجکش جهان چیت که از اینهمه زورگویی و جلادی ، خشمگین شده بودند تصمیم گرفتند برای گرفتن حق خود به وزارت کار در تهران شکایت کنند . دو هزار کارگر شجاع جهان چیت که هنوز بدستری ماهیت پلید مقامات بالا و «وزارت کار» را نمی شناختند و هنوز به رسیدگی وزارت کار امید داشتند پیاده از کرج به طرف تهران حرکت کردند . دولت شاه که از اتحاد ۲۰۰۰ کارگر خشمگین و شهنش زده شده بود پلی توطئه مشترکی با فاتح خائن که حاضر نبود دیناری به حقوق کارگران اضافه کند ، دستور داد جلیوی راه کارگران را با شلیک گلوله بگیرند . کارگران جهان چیت که تصمیم داشتند بیش از ۴۰ کیلومتر راه را پیاده طی کنند و به تهران برسند ، بعد از طی ۲۰ کیلومتر راه مورد حمله ژنرالهای مسلح قرار گرفتند . کامیونهای پر از ژاندارم در کاروانسرا سنگی در نیمه راه کرج تهران ، کارگران زحمتکش را که اسلحه ای جز مشتهای گره کرده و خشمگین خود نداشتند برگراب مسلسل بست و باین ترتیب شکم کارگران گرسنه ای را که برای سیر شدن دست بااعتصاب زده بودند با سرب مذاب پر کردند . عده زیادی در این واقعه مجروح شدند و دست و پای خود را از دست دادند و بیش از ۲۰ نفر نیز شهید گشتند . اکنون کارگرانی که در این واقعه خونین ناقص العضو شده اند قربانیان زنده . جنایت فاتح در کرج زندگی میکنند از این واقعه همچنین یک قصاب که سرش را از مغازه بیرون آورده بود هدف گلوله ای ژاندارمها قرار گرفت و بقتل رسید .

این جواب محمد رضا شاه خائن بود به کارگرانی که برای گرفتن ابتدائی ترین حقوق خود ، دست به اعتصاب زده بودند . این جواب وزارت کار بیشتر بود به تقاضاهای کارگران بخاطر دریافت نان بیشتر برای سیر کردن زن و فرزند خود .

باختر امروز

خطابیه توضیحی چریکهای فدائی خلق

عکس العمل سازمان چریکهای فدائی خلق به پشتیبانی از مبارزات کارگران و گرفتن انتقام خون کارگران شهید. پس از واقعه جهان چیت، سازمان چریکهای فدائی خلق به بررسی آن پرداخت و آشکار شد که فاتح نقش اصلی را در وقوع این جنایت داشته است. باین جهت حکم اعدام او در دادگاه انقلابی خلق صادر گشت. پس از صدور حکم یکی از واحدهای چریکی سازمان چریکهای فدائی خلق مامور اجرای این حکم شد. این واحد بسا وجود تمام مراقبتهائی که دولت شاه از فاتح میکسرد توانست محل سکونت فاتح را در کامرانیه نیابوران واقع در نزدیکی قصر شاه خائن پیدا کند و با تحقیقات بعدی از تمام حرکات او کسب اطلاع نماید. سرانجام در روز یکشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۵۳ یک واحد چهار نفری از رزمندگان سازمان توسط یک اتومبیل و ایجاد راهبندان مصنوعی راه را بر اتومبیل بنز ضد گلوله، او بستند. یکی از رفقا که مسئول دور کردن راننده از صحنه عمل و حفظ جان او بود راننده را از ماشین بیرون کشید و او را از صحنه عمل دور کرد و رفیق دیگر با شلیک ده گلوله فاتح خائن را اعدام کرده و به سزای اعمال ننگینش رسانید. در پایان، رفقا با فریادهای زنده باد کارگر، مرگ بر شاه خائن و پخش اعلامیه صحنه عمل را ترک کردند و سلامت به پایگاه خویش باز گشتند. و باین ترتیب انتقام خون بیش از ۲۰ شهید و دهها نفر را که در این واقعه ناقص الضمو شده بودند گرفتند.

دولت جنایتکار شاه که از پیوند خلق با چریکها بیشتر از همه چیز وحشت دارد، خبر اعدام فاتح را منتشر نکرد فقط در صفحه حوادث روزنامه‌های چیره خوارش، خیلی مختصر و بدون اینکه اسمی از چریکها بیاورد، نوشت فاتح یزدی کشته شد، زیرا از میزان کینه و نفرت کارگران نسبت باین جنایتکار پست باخبر بود و حالا نمیخواست خلق فرزندان راستین خود چریکهای فدائی خلق را بشناسد و بداند که چریکهای فدائی خلق پیشگامان مسلح خلقند که به دشمنان خلق ضربه می‌زنند و سعی میکنند خلق را بر ضد ظلم دولت شاه متحد کنند.

ما غیرم ترس و وحشت رژیم از آگاهی خلق صریحا حمایت مسلحانه و بیدریغ خود را از مبارزات خلق کبیر ایران اعلام میکنیم و بدشمن اخطار میکنیم که هیچ گونه جنایتی را در حق طبقه کارگر و تمامی خلق هیچ جواب نخواهیم گذاشت. سازمان چریکهای فدائی خلق بدشمن هشدار میدهد که اینک نیروهای انقلابی خلق بمنظور مقابله با دشمنان خود به تدریج قدرت مسلح خود را سازمان میدهند از این بعد جواب گلوله های دشمن را با گلوله خواهند داد.

در باره مبارزات نوین مسلحانه خلق ایران

پس از کودتای ۲۸ مرداد که شاه فراری توسط امریکائیا و انگلیسها بایران برگردانده شد و با پول و اسلحه بیگانه حکومت ملی و مستقل دکتر مصدق را ساقط کرد، دولت شاه که عامل بیگانگان بود برای خفه کردن فریادهای حق طلبانه مردم، سازمان جنایتکار امنیت را بوجود آورد و دستگاههای پلیس، ژاندارمری و ارتش را تقویت کرد. بزودی خلق ایران بخاطر نداشتن یک رهبری سالم و یک سازمان مبارزاتی مستحکم صفوف متشکل خود را از دست داد و نا امید و پراکندگی در میان نیروهای خلق چیره شد. از آن پس هدف حکومت کودتا این بود که هر شکل از مبارزه را در آغاز تشکیل شدن و در نطفه خفه کند. در این مدت شاه خائن بارها مبارزات حق طلبانه و غیر مسلحانه خلق را بخون کشید. نمونه آشکاری که همه بیاد داریم قیام بزرگ خلق در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ است که با رکباز مسلسل

و شلیک توپ و تانکهای دشمن بخون کشیده شد. از آن پس نیز دولت شاه همه روزه با دستگیری گروههای مبارزاتی و انقلابی میکوشید تا مانع رشد مبارزات خلق ایران شود. نیروهای پیشرو خلق ما نیز که هنوز کاملا بشیوه واقعی و درست عمل انقلابی در شرایط موجود ایران پی نبرده بودند مرتبا بدون هیچ مقاومتی بدست نیروهای تعلیم دیده دشمن اسیر شده

و بزندان کشیده میشدند بدون آنکه بتوانند قدم مثبتی در راه رشد جنبش انقلابی بردارند.

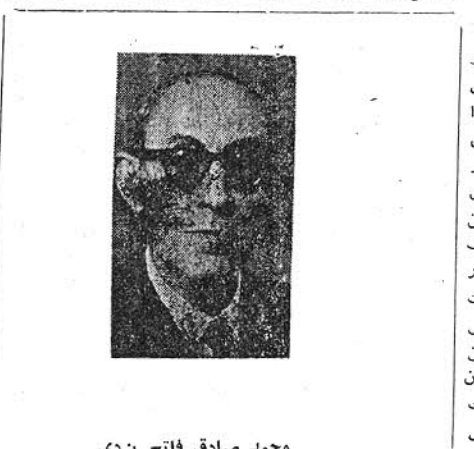
بهر حال مبارزات خلق ما که تا ۱۷ سال پس از ۱۸ مرداد ۲۲ بعثت سرکوب وحشیانه دولت پلیسی شاه خائن با بن بست روبرو بود در سیر درست و صحیحی جریان یافت.

در سال ۴۹ مبارزینی که عملا به نتیجه رسیدند بودند که تنها راه مبارزه بر علیه رژیم مبارزه مسلحانه است و سایر شکلهای مبارزه میبایست در حول و حوش عمل مسلحانه جریان پیدا کند دست بتدارک عملیات مسلحانه زدند و بالاخره در ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ باجاده بپاسگاه ژاندارمری سیاهکل که توسط یک واحد از رزمندگان چریکهای فدائی خلق صورت گرفت مبارزات نوین خلق ایران آغاز گردید.

از آن تاریخ بعد گروهها و سازمانهای مختلفی تشکیل شدند که همگی راه جنبش سیاهکل را ادامه دادند و بدشمن ضرباتی وارد ساختند و نیروهای سرب را بآینده مبارزه امیدوار ساختند زیرا اینها اولین گروههایی بودند که پس از ۱۱ سال سکوت و بی‌عینی شروع بکار کرده و بجای حرف زدن عمل میکردند و پس از اقدام و عمل با خلق به گفتگو می نشستند، بهمین جهت هم سرعت توانستند اعتماد بخش وسیعی از خلق را بخود جلب نمایند. و مبارزه مسلحانه را در سطح کشور گسترش دهند.

شاه و دولتش که خود را با مبارزهای واقعی و جدی روبرو میدیدند و بخوبی درک میکردند که همین مبارزین نواخته بالاخره در یک مبارزه طولانی آنها را از تخت سنکریشان بپائین خواهند کشید بهمین جهت از آغاز با تمام نیرو برای سرکوب و جلوگیری از پیشرفت جنبش انقلابی دست بکار شدند و در جریان اقدامات ضد انقلابی صدها نفر از بهترین و شجاعترین فرزندان خلق ما را بشهادت رسانیدند و هزاران نفر را بزندان کشیدند تا شاید بتوانند چند روزی بیشتر بحکومت ننگین خود ادامه دهند. ولی اقدامات وحشیانه آنها نه تنها مبارزه را متوقف نکرد، بلکه مبارزین واقعی راه رهائی خلق در جنگ و ستیز با دولت شاه آبدیده شدند و بااصلاح اشتباهات کوچک و موقتی خود هر چه نیرومندتر راه خود را ادامه دادند.

از طرفی دیگر شاه و دولتش بخاطر انحراف اذهان خلق در رادیو تلویزیون و روزنامهها دست به توطئه تبلیغاتی بزرگی بر علیه مبارزین راه رهائی خلق زدند بدین ترتیب که میکوشیدند مبارزین را خرابکار، دزد، عامل بیگانه معرفی کنند و دقیقا همان صفاتی را که خودشان دارند بمبارزین مصنوعا پیوند بزنند. ولی این توطئه نیز با مبارزات پیگیر نیروهای انقلابی و آگاهی روز افزون خلق با شکست مواجهه شد و مردم



محمد صادق فاتح یزدی

نشان دادند که دوست و دشمن خود را بخوبی می‌شناسند و فریب دستگاه تبلیغات دولت را نمی‌خورند. دشمن پس از شکست توطئه‌های تبلیغاتی لب از سخن فروبست و توطئه سکوت را در مقابل عملیات انقلابی در پیش گرفت و پس از اعلام این امر که مبارزین نوین همه ازین رفته‌اند دست از تبلیغات برداشت و کوردلانه می‌پنداشت که بدین ترتیب بتدریج تاثرات مبارزات انقلابی از میان خواهد رفت غافل از آنکه مبارزین مرکز از نبرد مقدسی که آغاز کرده‌اند دست برنخواهند داشت و تا پیروزی نهائی هم چنان بمبارزه ادامه خواهند داد. بدین سان بود که توطئه سکوت دولت شاه نیز با شلیک گلوله‌های چریکی در هم شکست و فرو ریخت و یکبار دیگر افسانه قدر قدرتی دولت شاه را در هم شکست.

مبارزین راه رهائی خلق امروز پس از سه سال ونیم همچنان راه خود را در جهت کوتاه کردن دست بیگانگان از سرزمین‌زرخیز ایران ادامه میدهند و تا از میان بردن تمام ستیهائی که بخلق ایران روا شده است از پای نخواهند نشست و بالاخره در مبارزهای طولانی و با شرکت همه نیروهای خلق دولت شاه بیگانه پرست را از تخت قدرت بزیر خواهند کشید و حاکمیت خلق را بر سرنوشته خودش تأمین خواهند کرد.

کارگران و سایر نیروهای انقلابی برای بی‌اثربودن توطئه‌های دشمن خود چه باید بکنند؟

اکنون تمام اقسام و طبقات تحت ستم خلق ایران ظلم دولت شاه را احساس میکنند و همه ما زورگونی‌ها و غارتگرهای دولت شاه را با گوشت و پوست خود لمس میکنیم و ما همه دشمن مشترکی داریم. همه ما از طرف دولتی که با اسلحه بیگانه ثروت ملی و نیروی خان ما را تصاحب کرده و تشار سرمایه داران خارجی میکند مورد ظلم و فشار قرار داریم. در چنین شرایطی و طیفه ملی ما حکم میکند که هر چه بیشتر صفوف خود را مستحکم سازیم و نیروهای خود را بر ضد دشمن مشترک متحد سازیم.

امروز کارگران ایرانی به فیجیح ترین وضعی از طرف سرمایه داران بیگانه و بیگانه پرست مورد بهره‌کشی و غارت قرار دارند. امروز دهقانان ایرانی که زمینهایشان تصاحب شده و یا اصلا زمینی نداشته و یا کم داشته‌اند، آواره شهرها شده‌اند و در فلاکت و بدبختی در پیشست در کارخانه‌ها و میادین شهر پلانکینفند. امروزه روشنفکران ایرانی که خواهان زنانه و آزادی خلق محروم خود هستند در قید و بند بسر می‌برند.

امروزه پیشه وران شریف و میهن پرست برسرمایه داران بیگانه پرست بتدریج از لحاظ اقتصادی رو بنسایبوری میروند و هر روز عمده بیشتری کار زندگیشان را از دست میدهند.

در مقابل اینهمه ظلم و ستم و بیدادگری چه باید کرد؟

هم میهنان، تنها راه اتحاد همه نیروهای تحت ستم خلق است همه کسانی که ظلم دولت شاه را با گوشت و پوست خود لمس میکنند باید بگرد هم جمع شوند و دستهای خود را بیکدیگر بلمند و صف یکپارچه و متحدی را بر علیه دولت شاه و بیگانگانی که از این دولت حمایت میکنند تشکیل بدهند و بکشند نیروهای از خلق را که از طرف رژیم با اعمال توطئه‌های رنگارنگ در نا آگاهی نگهداشته شده‌اند نسبت بوامعیاات آگاه سازند و مامیت مبارزات نوین خلق را بهمگان بشناسانند. با این بسیج عمومی برای آگاهی ملی و ضد امپریالیستی جنبش مسلحانه رهائی بخش خلق ما خواهد توانست در پناه حمایت طبقه کارگر و تمامی نیروهای خلق مستمده ایران رشد کند و تمامی نیروهای خلق را در جبهه واحدی بر علیه دشمن مشترک سازمان دهد و پیروزی نهائی را برای خلق ایران بارمغان آورد.

پیروز و گسترده باد مبارزات طبقه کارگر و سایر نیروهای انقلابی خلق ایران

مرگ بر دولت شاه و اربابان بیگانه‌اش

مستحکم باد اتحاد همه نیروهای خلق

با ایمان به پیروزی راهبان

گسترده باد جنبش رزمنده کارگران ایران